

تندروها به تذکرات رهبری بی توجه هستند

نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی می‌گوید: در مجلس آینده افرادی هستند که به دلیل مواضع سیاسی و این که بخواهند از دولت امتیاز بگیرند، خود را جلوتر از رهبری می‌دانند و سعی می‌کنند افراطی‌تر عمل کنند، البته این به این معنا نیست که اینها انقلابی‌تر هستند و یا به مبانی شرعی مومن‌تر هستند، بلکه نگاه تندتری دارند و بر همین اساس امکان دارد به تذکرات رهبری هم بعضا توجه نکنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، «از مجلسی با ریاست هاشمی رفسنجانی، بعنوان دست راست امام خمینی، رسیدیم به قالیباف، شاید در آینده به جایی برسیم که بگوییم صد رحمت به قالیباف!» این عبارتی است که محسن رهامی، نماینده ادوارمجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرگزاری خبرآنلاین درباره وضعیت مجلس دوازدهم استفاده می‌کند.

محسن رهامی، چهره سیاسی اصلاح طلب، بر این باور است که تعداد نمایندگان اصولگرای تندرو و بی‌ریشه به اندازه‌ای در مجلس دوازدهم افزایش پیدا کرده، که می‌توان گفت قالیباف، را متعادل در نظر گرفت.

ارزیابی موقعیت قالیباف در مجلس دوازدهم از جمله مواردی بود که این چهره اصلاح‌طلب به آن پرداخت. رهامی بر این باور است که حتی اگر قالیباف در مجلس دوازدهم رئیس شود، از موقعیتی شبیه مجلس یازدهم برخوردار نخواهد بود و برای حفظ ریاست مجبور به پرداخت هزینه خواهد شد.

رهامی این را هم گفت که «در حال حاضر رقابت بر سر این است که اجازه ندهند قالیباف رئیس مجلس شود مگر اینکه از بالا پیام و حمایت جدی شود که بنده چنین احتمالی را می‌دهم.»

این چهره سیاسی اصلاح طلب، با انتقاد از راهیابی افرادی با رأی حداقلی به پارلمان تاکید دارد: «منتخبین بر سر تقسیم غنائم با هم رقابت می‌کنند و نه چگونگی رفع مشکلات مردم.»

در ادامه گفتگو با محسن رهامی، نماینده اصلاح طلب ادوار مجلس شورای اسلامی را می‌خوانید:

*آقای رهامی! به نظر کارشناسان با این طیف از منتخبین، مجلس دوازدهم فراکسیون اکثریت نخواهد داشت، چند فراکسیونی بودن چه مزایا و معایبی خواهد داشت؟

ارزیابی ترکیب مجلس دوازدهم از نظر زمانی مقداری زود است و باید وقتی نمایندگان مرحله دوم انتخابات وارد مجلس می‌شوند، ارزیابی دقیق‌تری انجام دهیم. به نظر می‌رسد فراکسیون‌ها در مجلس دوازدهم برگرفته از دسته‌بندی‌هایی در جریان اصولگرا خواهد بود یعنی شاهد حضور یک جریان قوی از نیروهای اصلاح‌طلب که بتوانند فراکسیونی تأثیر گذار در مجلس تشکیل بدهد، نخواهیم بود.

حامیان قالیباف و جبهه پایداری میدان‌دار مجلس دوازدهم خواهند بود

در حقیقت به دلیل ردصلاحیت‌های گسترده اصلاح‌طلبان و این که بسیاری هم حاضر به ثبت‌نام در انتخابات مجلس نبودند، دسته‌بندی‌ها در داخل جریان اصولگرا خواهد بود و شاید جریان قالیباف بتواند اکثریت را حفظ کند. جریان پایداری که در مجموع با حامیان قالیباف در طیف اصولگرا قرار می‌گیرند، به دلیل قلع و قمع نیروهای رقیب از طریق نظارت استصوابی، میدان‌دار مجلس دوازدهم خواهند بود و قالیباف هم اگر به ریاست مجلس برسد، فکر می‌کنم آن اکثریتی که در مجلس یازدهم داشت، این بار در مجلس نداشته باشد.

تندروها به تذکرات رهبری بی توجه هستند

مجلس یازدهم با دولت رئیسی هم‌سوتر است، اما در مجلس آینده افرادی هستند که به دلیل مواضع سیاسی و این که بخواهند از دولت امتیاز بگیرند، خود را جلوتر از رهبری می‌دانند و سعی می‌کنند افراطی‌تر عمل کنند، البته این به این معنا نیست که اینها انقلابی‌تر هستند و یا به مبانی شرعی مومن‌تر هستند، بلکه نگاه تندتری دارند و بر همین اساس امکان دارد به تذکرات رهبری هم بعضا توجه نکنند، همان طور که در دولت احمدی‌نژاد این اتفاق افتاد و تندتر از رهبری حرکت می‌کردند.

وقتی وضعیت فرزندان افراد تندرو را مشاهده می‌کنیم متوجه می‌شویم ۹۰ درصد مواضع آنها صوری است

در مجموع جریان‌های سیاسی فعلی افراد ریشه‌دار و اصیل نیستند و چندان سابقه مبارزاتی، که نیروهای اصیل اصولگرا یا اصلاح طلب و خط امامی، در

قبل از انقلاب داشتند، را ندارند. بنابراین برای اینکه موقعیت انقلابی و سیاسی بیشتری از خود نشان بدهند، مواضع افراطی‌تری می‌گیرند. چنانچه نسبت به غرب و اعطای آزادی‌های فرهنگی، بسیار تندتر از رهبران اصیل انقلاب شعار می‌دهند اما وقتی وارد زندگی خودشان، فرزندان و روابطشان می‌شویم، متوجه می‌شویم که ۹۰ درصد مواضع آنها صوری و فقط پوزیشن سیاسی است.

در مجلس دوازدهم این پوزیشن تندتر و افراطی‌تر خواهد بود، به این معنا که جنگ زرگری تند بین خود ایجاد کنند که از این طریق بتوانند امتیازات بیشتری از دولت رئیسی برای انتصاب در وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها و در زمینه مالی برای شرکت‌هایی که پس پرده درست کرده‌اند، بگیرند، بنابراین در پشت پرده دعوای اقتصادی و گرفتن امتیازات مالی و مناصب دولتی خواهد بود اما در ظاهر جبهه‌گیری سیاسی و انقلابی می‌تواند باشد.

دعوا و هیاهو سالاری در مجلس دوازدهم

*یعنی مانند مجلس دوازدهم به مواردی نظیر صیانت، شفافیت و

بله، مقداری تندتر. البته در مجلس یازدهم جریان قالیباف و هوادارنش که نسبت به جبهه پایداری که جریان بی‌ریشه‌ای است، تا حدودی اعتدال دارند. در مجموع این جریان تندروی اصولگرا می‌خواهد در مجلس بعدی تندتر عمل کند اما خروجی آن برای کشور آورده خاصی نخواهد داشت، زیرا هیچ برنامه‌ای برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و معضلات سیاست خارجی و داخلی، که در بسیاری از مسائل به بن‌بست خورده‌ایم، ندارند.

در حقیقت از پیشانی این مجلس نمی‌توان خواند که طرح مشکل‌گشایی ارائه کنند، بنابراین به نظر می‌رسد در این مجلس دعوا بر سر این است که چه کسی انقلابی‌تر است و تندتر و افراطی‌تر شعار می‌دهد، یعنی فردی انقلابی‌تر است که شعارهای تندتری می‌دهد و هیاهو می‌کند، در واقع هیاهو سالاری حاکم می‌شود، و این وسط منافع مردم در اولویت صدم مجلس هم نخواهد بود.

به جای مجلس شورای ملی، یک مجلس شورای محفلی داریم

*منظور شما این است که نمایندگان مجلس دوازدهم برای گرفتن امتیاز به دولت نزدیک خواهند شد؟

بله، همانطور که از نظارت مجلس یازدهم به دولت هم هیچ چیزی عاید مردم نشد، کما اینکه در قضیه چای دیش مجلس هیچ اقدامی انجام نداد و تا امروز از طرف مجلس توضیح قانع‌کننده‌ای نشنیدیم که به این قضیه ورود پیدا کرده باشد و به موکلان خود توضیح بدهند.

در واقع نمایندگان این نوع مجالس خودشان را وکیل و منتخب مردم نمی‌دانند، تا خود را موکلف به پاسخگویی بدانند، بلکه خود را نمایندگان محافل می‌دانند، به عبارت دیگر ما به جای مجلس شورای ملی، یک مجلس شورای محفلی داریم!

منتخبین مجلس آینده بر سر تقسیم غنائم با هم رقابت می‌کنند نه چگونگی رفع مشکلات مردم

در حقیقت اینها در اتاق فکر لیست‌هایی تهیه کردند و در وضعیتی که رقیب اصلی و اکثریت مردم غائب بودند، نمایندگانی با حداقل رأی به مجلس رفتند، اینکه چه تعداد از این آراء واقعی است بماند، اما در مجموع با توجه به اینکه تهران ۸ میلیون جمعیت دارد باید حداقل ۴ میلیون در انتخابات شرکت می‌کردند اما این اتفاق نیفتاد، لذا این نمایندگان خودشان را منتخب مردم نمی‌دانند کما اینکه نمایندگان مجلس یازدهم هم خودشان را نماینده مردم نمی‌دانند و از این‌رو وظیفه‌ای هم احساس نمی‌کنند برای نمونه در قضیه چای دیش می‌توانستند وزرا را بخواهد، بحث کنند و ببینند چه بلایی به سر کشور و ملت و بیت‌المال کشور آمده است، بپرسند چه کسی پول داده و این پول کجا رفته است.

بنده فکر می‌کنم این قضیه در مجلس دوازدهم تشدید خواهد شد و منتخبین بر سر تقسیم غنائم با هم رقابت می‌کنند و نه چگونگی رفع مشکلات مردم. چنانچه تا امروز طرح مشخصی از نمایندگان منتخب برای حل مشکلات مردم ارائه نشده، به این معنی که بگویند در مجلس دوازدهم برای حل مشکل مردم این برنامه را داریم.

در مجلس آینده عرصه برای قالیباف تنگ می‌شود

*فکر می‌کنید در جریان تقسیم غنائم چهره‌هایی نظیر قالیباف قربانی خواهند شد یا همراهی خواهند کرد یا ...

در مجموع هر چند در مورد مدیریت شهرداری قالیباف مسائلی مطرح بود و حتی شریفی، معاون او تحت پیگرد قضائی قرار گرفت و هیچ وقت قوه قضائیه به صورت جدی در مورد اینکه قالیباف مقصر بود یا خیر، وارد نشد اما از نظر سیاسی بین رقبا و مدعیان، قالیباف که سابقه حضور در جنگ و فرماندهی دارد، موضع معتدل‌تری دارد.

فکر می‌کنم مجلس دوازدهم عرصه را بر افرادی نظیر قالیباف هم تنگ می‌کند تا او را مجبور کنند در هیئت رئیسه یا کمیسیون‌ها امتیاز بیشتری بدهد، مثلاً در حد نائب رئیسی، یا از طریق او امتیازاتی از دولت بگیرند و ساکت شوند و گر نه این چالش جدی را تا پایان مجلس دوازدهم خواهیم داشت.

قالیباف با حمایت جدی از بالا می‌تواند رئیس مجلس شود

*با توجه به فضای شکل گرفته برای انتخاب رئیس مجلس، پیش بینی می‌کنید قالیباف کماکان بر کرسی ریاست باقی می‌ماند؟

در حال حاضر رقابت بر سر این است که اجازه ندهند قالیباف رئیس مجلس شود مگر اینکه از بالا پیام و حمایت جدی شود که بنده چنین احتمالی را می‌دهم. در حقیقت برای اینکه تنش‌ها فروکش کند و اینکه تریبون مجلس به دست افرادی نیافتد که هر روز برای کشور تنش جدید و هزینه بیشتری درست کنند، امکان دارد پیامی برسد که قالیباف را به عنوان رئیس مجلس نگه دارند، آن وقت وارد معاملات داخلی بین خودشان می‌شوند نه اینکه با اصلاح‌طلبان و یا جریان معتدل‌تر کنار بیایند.

بنده فکر می‌کنم این رقابت میان اصولگرایان صورت بگیرد، قالیباف بماند و از او امتیاز بگیرند اما چنانچه از بالا پیامی نرسد و به صورت جدی وارد نشوند، آن وقت کاملاً قالیباف را به چالش می‌کشند تا جایی که امکان دارد از ریاست بیافتد و یا با اکثریت ضعیفی و شکننده به ریاست مجلس برسد و آن هم از طریق دادن امتیازات در هیئت رئیسه و کمیسیون‌ها.

از آیت‌الله طالقانی رسیدیم به افرادی مانند کاظم صدیقی!

* مثلاً شاید شاهد حضور رسایی و نبویان در هیئت رئیسه مجلس خواهیم بود؟

در هر صورت این افراد مدعی هستند یعنی ما از مجلسی با ریاست هاشمی رفسنجانی، بعنوان دست راست امام خمینی، رسیدیم به قالیباف، شاید در آینده به جایی برسیم که بگوییم صدرحمت به قالیباف! البته در قسمت‌های دیگر هم این روند نزولی را مشاهده می‌کنیم برای مثال اولین خطیب نماز جمعه تهران مرحوم طالقانی با آن سابقه سیاسی بسیار بالا، که از محبوب‌ترین روحانیون جامعه سیاسی بوده، در کنار او آیت‌الله منتظری یکی از فقهای تراز اول کشور بود ما از آن خطیبان نماز جمعه رسیدیم به این افرادی که آدم خجالت می‌کشد در داخل یا خارج از کشور و محافل مسلمان اهل سنت و برخی دوستان نام ببرد و بگوید این خطیب جمعه تهران است چراکه نه تنها مراتب علمی آنها قابل قیاس با طالقانی و منتظری نیست بلکه از حیث آلودگی به مسائل دنیوی، مانند آنچه برای صدیقی پیش آمد، مطرح است، همین قضیه در مورد دولت هم صدق می‌کند، کما اینکه از بازرگان و رجایی و باهنر رسیدیم به افرادی در دولت، که نه تنها از نظر سطح علمی و توانایی و مدیریت با آن بزرگان قابل قیاس نیستند، بلکه در حد شاگردان آنها هم لیاقت کار ندارند، کما اینکه از روی متن و نوشته هم نمی‌توانند مطلبی را ادا کنند!

در مجموع بسیار متأسفم به این شرایط رسیدیم که نتیجه اعمال سیاست‌های حذفی و خالص‌سازی از طریق نظارت استصوابی و امثال آن، و کنار گذاشتن افراد لایق و توانمند، افرادی مسئول شدند که کوچکترین بحران کشور را نمی‌توانند حل کنند و یومیه بحران‌ها روی هم انباشته می‌شود.